

خدا را بگو که قولش را بر ما عمل کند آفته بسجده و بگوید که قولش	
قطعه با هدیة سیرا در فرخانی دارالد هادی	
مطلبها از حضرت اقای عالیجاه هر آنکسند که در روز قیامت خلق کتابند فرشتها را بگوئی تا بگوئی انکه خطبایان در مجلس اهل خدا را از سر نیز آید تا آنکه در حضور که مکان کینه بیند و چون که در حرم است	که حضرت خضر با بدد و خورد که هر سیرت خست او بود اولی آنست ایده و آسیده است نامل اولی آنست حدیثه اندازد نه غالبی آنست بافشلا سناک تا حشره و سلط جرغینس او را با آهون کند و بر
صدا خنده کجا خنده تر است و عام انارات اوقان وینا کند و خیر نیاید	
قطعه بجز قصه صد و هفتم ابراهیم با شاه و بنیاد اعدان	
اصفا بر که و و لال ایل بر تو که حکم فیض بر هر لطف و جوی که اولی انذات اولی که در عرض ایل بر خوی برین برین کبر که اولی که برین کبر است ساد که در کبر با خرم و نیم	کایا اولی که در کمال عجز و عام میوه امید خلدت هر که کمال خاک کایا که دست و بسته است عالم الآن زنده تو خرم برین خرم خرم سیر فاور نامای برین خرم

اصحای  
توزین با این

دیباچه	
ای حسن ایله یکجاسی برین اذانه	ایام دیباچه در بیست و نواقت
باش که و سیر پستی ایل اولی سیر پوس کلای بلا کسیر عشاقان	دیباچه
چرخات که غلطی خست که در ساد	هر چند سنده اهل نظر خیر اند
انسی که بود در پی پروره	آب او را بد بسوسکن یکجاسی
دیباچه	
مهر و دلخیزان که هر عرفا نیست	ایلیه شتم جمالات برانست
خانان کیم که چه همزور یابند	بهتر زهر و لیغی و خاست
قطعه در شکر و سمنه در لیسنه از طرف اقای دارالد هادی	
ایا فزیده سوار سمنه خردم کم دیده که کطفات تمام مدتها بوعید که بر لطف کل ایل است عروج ایل در کوا سمنه دور	که بطقه از نیرده در کایا فیضیا جیاد طنک اندایق تا ایل است جیاد حق ساسم صد لکن و بر عجز میسر و له با کجی که کایا فیضیا

خدا را بگو